

ماهیت و آثار رضایت زیان‌دیده در فقه امامیه و حقوق ایران^۱

- * علی تقی‌پوریان
** جواد نیک‌نژاد
*** مهدی اسماعیلی

چکیده

جایگاه مهم مسؤلیت مدنی روز به روز در جوامع ملموس‌تر و حساس‌تر است که از سوی دیگر ارتباط قراردادها با نظم عمومی نیز سبب محدودیت‌های نیز شده است تأثیر رضایت زیان‌دیده در دعوی مسؤلیت مدنی نیز علیرغم اینکه با رضایت حاصل می‌شود در جاهایی مؤثر و در جاهایی دیگر به جهت اینکه با نظم عمومی مخالف بوده مؤثر نیست از این رو شناخت دقیق رضایت زیان‌دیده قبل از ورود ضرر و پس از ورود ضرر از حیث تأثیر یا عدم تأثیر و شناخت چارچوب‌های نظری دیگر لازم و ضروری بنظر می‌رسد. از سوی دیگر رضایت زیان‌دیده با فرض کمال و صحت که در موارد ممنوعه قانونی نیز نباشد مورد پذیرش عقلاء و سیره عقلی و عرف قرار گرفته و با مبانی اصل حاکمیت اراده در حقوق و قاعده اذن مالک قابلیت انطباق را داشته است.

کلید واژه‌ها: مسؤلیت مدنی، رضایت زیان‌دیده، قرارداد، عدم مسؤلیت.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۳۰

* دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد آیت‌آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران

** استادیار گروه حقوق، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران (نویسنده مسئول)

j.niknejad@yahoo.com

*** استادیار گروه حقوق، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران

۱- مقدمه

ضمان قهری در ق.م که در ماده ۳۰۷ آمده به چند قسم تقسیم شده که عبارتند از: ۱- غصب و آنچه در حکم غضب است ۲- اتلاف ۳- تسبیب ۴- استیفاء.

در جهت تحقق مسؤولیت مدنی وجود چند رکن لازم و ضروری است که عبارتند از ۱- وجود ضرر ۲- ارتکاب فعل زیانبار ۳- رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرری که وارد شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۱۴۲) و جایگاه تحقیق در بند ۲ مذکور یعنی فعل زیانباری باشد که جهت شناخت دقیق تأثیر رضایت زیان‌دیده بایستی در درجه اول به این پرسش پاسخ داده شود که آیا رضایت زیان‌دیده باعث می‌شود فعل زیانبار فعل مباح شناخته شود یا خیر و اینکه ماهیت رضایت عقد است یا ایقاع و مبانی رضایت اعم از فقهی و حقوقی تحت چه عناوینی بحث و گفتگو شود و همینطور بایستی اعلام شود که پس از رضایت چه آثار حقوقی-کیفری برای زیان‌دیده بوجود می‌آید و آیا اینکه اثر رضایت زیان‌دیده مطلق است و یا اینکه در برخی از مواد و تحت شرایط رضایت موثر و مفید نفی مسؤولیت نیست.

۲- مفاهیم

در این قسمت به تعاریف عناصر اصلی در این مقاله که شامل مسؤولیت مدنی- اذن- رضایت - برائت - می‌باشد، پرداخته می‌شود.

۲-۱- مفهوم مسؤولیت مدنی

در هر مورد که شخصی ناگزیر از جبران خسارت دیگر می‌باشد می‌گویند مسؤولیت مدنی دارد و بر این مبنا یک رابطه دینی ویژه بین زیان‌دیده و مسؤول بوجود می‌آید و زیان‌دیده طلبکار و مسؤول بدهکاری شود و موضوع بدهی جبران خسارت است که بطور معمول با دادن پول انجام می‌گیرد. در ایجاد این رابطه دینی اراده هیچ یک از آن دو حاکم نیست حتی در موردی که مسؤول بعد دیگری زیان می‌رساند، چون مقصود نتیجه مستقیم او اضرار است نه ایجاد دین برای خود و کار او را باید در زمره وقایع حقوقی شمرده و مسؤولیت مدنی هیچگاه نتیجه مستقیم عمل حقوقی نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۱۱) و مسؤولیت مدنی، معنای عام تکالیفی است که در نتیجه امر مشروع یا نامشروعی، بدون اینکه قرارداد صحیحی در میان باشد پدید می‌آید (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲، ۷) و مقصود از مسؤولیت مدنی در معنای

خاص آن است که شخص بدون بین او و زیان‌دیده قرارداد بسته شده باشد مسؤول قرار گیرد که این قسم از ضمان یا مسؤولیت به حکم قانون و بدون دخالت اراده اشخاص ایجاد می‌شود که ضمان قهری یا مسؤولیت مدنی در معنی خاص نام دارد (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰، ۱۹) و ضمان امری است اعتباری که شارع مقدس یا عقلاء یا هر دو آن را اعتبار کرده است. برخی از فقها (بحرالعلوم، ۱۹۷۳، ۲۴) ضمان را به «ادخال الشی فی العهده» تعبیر کرده‌اند و نتیجتاً ضمان بودن چیزی در عهده ضامن و خسارتش بر او را گفته می‌شود و ضمان قهری عبارت است از مسؤولیت انجام امری یا جبران ضرری که بدون وجود هرگونه قرارداد و عقدی بین افراد به طور قهری و به حکم شرع و قانون حاصل می‌شود.

۲-۲-۲- اذن

اذن در لغت گاهی به معنای اباحه و رخصت آمده (راغب اصفهانی، المفردات، بی‌تا) و در سوره نساء آیه ۲۴ در این معنا به این تعبیر اعلام شده «فانکحوهن باذن اهلهن» و گاهی اذن در معنای دستور و فرمان است. چنانچه در سوره بقره آیه ۹۷ آمده در این صورت که «انزله علی قلبک باذن الله» و گاهی نیز در معنای اجازه، اطاعت و اراده و اعلام آمده است (قرشی، ۱۳۶۱، ۵۶). میرفتاح مراغه‌ای در کتاب العناوین می‌گوید: الاذن عباره عن رخصه المالك و من یحکمه فی التصرف و اثبات الید و هو قد یكون قبل التصرف و هم المسمی بالاذن و قد یكون بعد ذلك و یسمی بالاجازه (مراغه‌ای، ۱۴۱۸، ۵۰۶). بنابراین اذن نقطه مقابل اجازه است. اذن در لغت به معنی دستوری دادن، رخصت آمده و به معنی اجازه دادن تصرف و آزادی عمل و رفع محرومیت است برای کسی که شرعاً ممنوع از تصرف و محروم از آزادی است (معین، ۱۳۸۷، ۹۰). در نتیجه، اذن نوعی اعلام رضایت صریح یا ضمنی ذی حق و یا ذی سمت به غیر است برای انجام کار یا تصرفی (پوراسماعیلی، ۱۳۸۹، ۵۸).

۲-۳- رضایت

رضایت در لغت به معنای خرسندی باطنی، خشنودی قلبی، میل و موافقت آمده است و رضاء در اصطلاح «قصد انجام عملی را بدون شائبه اکراه و اجبار گویند و از سوی دیگر رضایت مطرح در دعوی مسؤولیت مدنی با رضا در شرایط اساسی صحت معاملات متفاوت بوده زیرا گاهی رضایت در دعوی مسؤولیت مدنی توسط زیان‌دیده ایجاد و منبع اثر می‌گردد و ایقاع است در حالیکه رضایی که در عقود

منبع اثر می‌گردد با توافق طرفین و موجب ۱۹۴ ق.م با مطابقت دو رضا حاصل می‌شود که جنبه طرفینی داشته است و نوعی انشاء محسوب می‌شود که نشان می‌دهد که موضوع اراده باید ایجاد اثر حقوقی باشد نه اخبار آن (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۱۲۸). محقق اصفهانی در اینکه رضای باطنی در تنفیذ عقد فضولی کافی نیست عباراتی دارد بیانگر تفاوت رضا با اذن نیز هست می‌گوید: «الرضا باطنی لیست امضاء للعقد بل لابد من اظهار بالاذن و الاجازه» (غروری اصفهانی، ۱۴۰۸، ۱۳۱).

۲-۴- برائت در لغت

فقه‌های اصولی در باب حجیت اصل برائت از نظر ادله عقلی به قاعده قبح عقاب بلایبان استناد نموده اند (رحیمی واسکسی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۲۴). برائت در مفهوم عام «رها ساختن و معاف داشتن» از تکلیف اتهام زیان و مسؤولیت آمده است و در اصطلاحی فقهی به معنای فقدان تعهد است و میان اذن و برائت، رابطه عموم و خصوص مطلق است یعنی هر برائتی در بردارنده، اذن می‌باشد ولی هر اذنی، معنای برائت نیست و از حیث حقوقی برائت که در بر دارند رضایت و یا اذن است ضمان را از بین می‌برد و نیاز به اخذ رضایت نیست.

رضایت در مقایسه با برائت در معاف کردن از مسؤولیت نقش بیشتری دارد و عام‌تر است زیرا با توجه به این که برائت گونه ای شرط عدم مسؤولیت است در اقدامات عمدی و در حکم عمد کارایی ندارد و عامل زیان را از مسؤولیت معاف نمی‌سازد ولی صرف رضایت در معافیت از مسؤولیت کافی است و در تقصیر عمدی و در حکم آن تاثیر دارد و عامل زیان را از مسؤولیت معاف می‌سازد (پوراسماعیلی، ۱۳۸۹، ۶۱).

۳- جایگاه رضایت زیان دیده

سؤال اصلی در جایگاه رضایت زیان دیده در دعوی مسؤولیت مدنی که جلوه‌گری می‌کند این است که آیا رضایت زیان دیده عنصر تقصیر (عناصر مسؤولیت مدنی) را ساقط می‌کند و نتیجتاً مرتکب (فاعل) بدون مسؤولیت می‌باشد و یا اینکه در اسقاط تقصیر مؤثر نبوده (یعنی تقصیر ایجاد شده و فقط زیان دیده آثار مسؤولیت ناشی از تقسیم فاعل را که به نفع ایشان ایجاد شده را از خویش ساقط می‌کند که نوعی اسقاط حق شمار می‌رود.

برخی از نویسندگان حقوقی معتقدند که خطا و صواب از مفاهیم اجتماعی است و با تراضی دگرگون نمی‌شود ولی شخص می‌تواند زیان‌های ناشی از تقصیر را پذیرا شود و حقی را که از این بابت دارد اسقاط کند (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۳۳۸) از سوی دیگر رضایت، تحمل خسارت تا حدی مؤثر بوده است. زیرا این دسته از حقوقدان خسارات وارده بر اموال را در صورتی که به عمد نباشد بنابر اصل حاکمیت اراده و با توجه به ماده‌ی ۳۰ ق.م.تایید و در خصوص صدمه‌های بدنی و زیان‌های مربوط به شخصیت و آزادی، رضایت را مؤثر نمی‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۳۳۸؛ امیری، ۱۳۹۲، ۱۵۶-۱۵۷؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲، ۱۸۴) و از سوی دیگر برخی دیگر از نویسندگان در مقابل معتقدند که رضایت زیان دیده، فعل زیانبار نامشروع را به فعل مشروع و مجاز تبدیل می‌نماید و بر اثر آن یکی از ارکان مسؤولیت مدنی یعنی فعل نامشروع در تقصیر، منتفی می‌شود و در نتیجه عامل مرتکب از مسؤولیت مدنی بر می‌گردد و در تأیید نظرات خویش اعلام داشته‌اند که اولاً رضایت زیان دیده به انجام فعل با درخواست انجام آن ناظر بر انجام خود فعل است و ناظر به اسقاط حق جبران خسارت نیست که بررسی شود آیا اسقط حق جبران خسارت قبل از ورود صحیح است یا خیر. ثانیاً: رضایت زیان دیده به انجام فعل زیانبار بدنی نیز در بعضی از موارد مؤثر است مانند رضایت در پیوند عضو از اعضاء به دیگری و ثالثاً سیر عقلا نیز باعث رفع تقصیر می‌شود (باریکلو، ۱۳۹۲، ۲۶۰). در فقه نیز این موضوع طرفدارانی داشته که این قسم را مانع ضمان دانسته و آن را مبتنی بر روایت «لایحل مال امر مسلم الا عن طیب نفسه» دانسته و منشاء جمله «عن طیب نفسه» را به معنای رضایت خاطر دانسته و با اطلاق آن هم تصرف را حلال دانسته و هم اینکه مانع پیدایش ضمان می‌شود (مراغه‌ای، ۱۴۱۸، ۲۴۰).

با در نظر گرفتن دو دیدگاه بالا به نظر می‌رسد نظر آن دسته از نویسندگان که معتقدند رضایت باعث عدم سقوط عنصر تقصیر می‌شود و فقط حق جبران خسارت را منتفی می‌سازد صائب بوده باشد زیرا: اولاً: اگر رضایت در خصوص اموال باشد علیرغم حمایت اصل آزادی قراردادهای و مبانی قانونی از جمله مواد ۳۰ ق.م. و همینطور مواد ۳۸۱ و ۳۸۶ ق.ت. درباره پذیرش قرارداد عدم مسؤولیت متصدی حمل و نقل و ماده ۵۱۵ ق.م. آمده... در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد برابر قرارداد رفتار شود، جملگی دلالت بر این داشته که اعلام رضایت یا انعقاد قرارداد نمی‌تواند مجوزی برای ورود خسارت عمدی یا آنچه در که عمد است باشد و نظم عمومی و اخلاق حسنه مانع از صحت چنین توافقی است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲، ۱۸۴). بنابراین رضایت در خصوص اموال عنصر تقصیر را به

فعل مشروع تبدیل نمی‌کند و تا جای معتبر و باعث اسقاط حق رجوع زیان‌دیده به فاعل یا مرتکب می‌شود که بصورت عمدی و یا در حکم عمد نباشد.

ثانیاً: درباره صدمه‌های بدنی و زیان‌های مربوط به شخصیت و آزادی، تنها نسبت به خسارات ناشی از اعمالی که تقصیر به شمار نیاید مؤثر است و مؤید آن این ماده ۴۹۵ ق.م.ا. بوده که شرط برائت را در صورتی مؤثر می‌داند که پزشک مرتکب تقصیر نشده باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲، ۱۸۴).

ماده ۴۹۵ ق.م.ا مقرر می‌دارد (هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد ضامن دیه است مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا اینکه قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه اخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل برائت از او به دلیل بیهوشی مانند آن ممکن نگردد برائت از ولی مریض تحصیل می‌شود.

تبصره ۱: در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هر چند برائت اخذ نکرده باشد. تبصره ۲: ولی بیمار اعم از ولی خاص است مانند پدر و ولی عام که مقام رهبری است. در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستانهای مربوطه به اعطای برائت به طبیب اقدام می‌نماید و همینطور ماده ۴۹۷ ق.م.ا اعلام داشته که در موارد ضروری که تحصیل برائت ممکن نباشد و پزشک برای نجات مریض طبق مقررات اقدام به معالجه نماید کسی ضامن تلف یا صدمات وارده نیست.

۴- مبانی فقهی و حقوقی

در موارد صحت رضایت، می‌توان به مبانی فقهی و حقوقی قانونی اشاره داشته که عبارتند از :

۴-۱- قاعده اقدام

قاعده اقدام یکی از مسقطات ضمان می‌باشد و مستند قاعده عبارت «لا یحل مال امر بطیب نفس» بوده که مورد اقدام ممکن است اقدام به ضمان خود باشد مثل ضمان فروشنده و خریدار و اقدام می‌تواند به زیان باشد (شیخ انصاری، ۱۴۳۴، ۱۶۳-۱۶۴) که این قسم مبنای صحت رضایت زیان‌دیده در موارد مذکور می‌باشد بر مبنای این قاعده هرگاه کسی به ضرر خود اقدام کند نمی‌تواند جبران آن را از دیگری مطالبه کند زیرا شخص به تصرف دیگران در اموال خویش راضی شده و متصرف ضامن نیست زیرا

صاحب مال یا مالک به زیان خویش اقدام کرده است (نجفی، ۱۳۹۴، ۱۷۸-۱۷۹) زیرا رضایت مذکور باعث اسقاط احترام و عدم ضمان مرتکب می‌شود و این نوع اقدام مسقط ضمان است (محقق خوئی، بی‌تا، ۹۶). با توجه به اطلاق مفهوم حدیث این است که تمام موضوع برای جواز تصرف و حلیت مال غیر، همان اذن و طیب و رضایت نفس است پس زمانی که طیب و رضایت مالک برای تصرف در مالش باشد، ضمان ساقط می‌شود (خمینی، ۱۳۷۹، ۱۵۶).

بنابراین رضایت زیان‌دیده در محدوده اعلامی صحت، با تکیه بر قاعده اقدام (به زیان) مؤثر در اسقاط حق مطالبه خسارات توسط رضایت‌دهنده می‌باشد. زیرا اولاً رضایت زیان‌دیده در رفع جبران خسارت می‌باشد. ثانیاً با توجه به قاعده اقدام، رضایت‌دهنده به ضرر خویش اقدام داشته است و نتیجتاً قاعده اقدام مسقط ضمان نسبت به مال یا جان تحت محدوده اعلامی صحت رضایت نسبت به رضایت‌دهنده محسوب می‌شود. از سوی دیگر بناء عقلا در سقوط و معافیت فرد از مسؤولیت نسبت به کسی که اقدام به مجانبت برضد خود نموده باشد تایید می‌کند و شرع هم به مقتضای قاعده ملازمه (کل ما حکم به العقل حکم به الشرع) نیز مسؤولیتی نمی‌بیند (بجنوردی، ۱۳۹۲، ۷۹-۸۰).

۴-۲- قاعده اذن

اذن از مسقطات ضمان است. موافقت قبلی مالک، یا کسی که به حکم شرع یا قانون اختیار مالی را داشته باشد. درباره تصرف و دست‌یافتن بر مال او را «اذن» و رضایت بعدی را «اجازه» گویند (محمدی، ۱۳۹۳، ۵۴). بنابر این رضایت زیان‌دیده مبتنی بر اذن صاحب مال یا جان است که در محدوده اعلامی صحیح می‌باشد و چه قبل از ورود ضرر باشد و یا پس از ضرر، رضایت زیان‌دیده مؤثر و نیز مبتنی بر قاعده اذن خواهد بود، و از ایراد اسقاط مالم یجب نیز در امان است (لطفی، ۱۳۹۲، ۲۶۰ - ۲۶۱). زیرا ضمان را که حکم وضعی بوده را اسقاط می‌کند و نتیجتاً مانع و رافع ضمان می‌شود (مراغه‌ای، ۱۴۱۸، ۵۱۶). نکته قابل توجه در اذن این است که مأذون باید مصلحت و غبطه صاحب مال (و یا صاحب جان موجب ۴۹۵ ق. م. ا) را رعایت کند و گرنه ضامن خواهد بود (محمدی، ۱۳۹۳، ۱۷۸).

۴-۳- قاعده استیمان

مستند قاعده ((لیس علی الامین الاالیمین)) بوده و مفاد آن این است که هیچ چیزی جز سوگند بر امین نیست و به قاعده عدم ضمان امین نیز تعبیر می‌شود. بنابر این اگر کس دیگری را امین خود قرار

دهد مسؤولیت از عهده امین بر داشته می‌شود و او را جز در مورد تعدی و تفریط نمیتوان مسؤول شناخت. قاعده معروف «ماعلی المحسنین من سبیل» (سوره نور آیه ۹۱) خود دلیل دیگری بر عدم مسؤولیت امین می‌باشد و از این آیه دلیل عقلی بر عدم ضمان امین استفاده می‌شود و عقل برای امین، غرامت و مسؤولیتی قائل نیست (بجنوردی، ۱۳۹۲، ۱۱۴). بنابراین قاعده استیمان (قاعده عدم ضمان امین) نیز می‌تواند یکی از مبانی فقهی صحت رضایت زیان‌دیده در رفع مسؤولیت با عدم ضمان مرتکب بوده باشد، زیرا چگونه می‌توان تصور کرد که تصرفی که با اذن صورت گرفته را ضمان‌آور دانست و ضمان دانستن هیچ سببی نمی‌تواند داشته باشد.

۴-۴- اصل حاکمیت اراده

بر طبق اصل حاکمیت اراده، اشخاص آزادند در نوع قراردادی که می‌خواهند ببندند و مفاد آن را به صورت دلخواه خویش بیاریند و تاوان پیمان‌شکنی را نیز از همین ابتدا معین سازند و مسؤولیت طرفین عقد فقط اجرای تعهدات قراردادی نیست بلکه دامنه آن تا جبران خسارت ناشی از نقض عهد نیز ادامه دارد (غمامی، ۱۳۸۸، ۸۲) و اعتبار قراردادهای رافع (یا محدود کننده) مسؤولیت مدنی با اصل آزادی قراردادی مذکور در ماده ۱۰ کاملاً سازگار بوده است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲، ۱۸۳). بنابراین بر اساس ماده ۱۰ ق.م.اشخاص می‌توانند هرگونه قراردادی را که مخالف قواعد و مقررات امری نباشد منعقد کنند به همین دلیل قرارداد عدم مسؤولیت یا تحدید آن در مورد تقصیر عمدی یا تقصیر سنگین که ملحق به تقصیر عمدی است و همچنین اضرار جسمانی باطل و بلااثر است. زیرا مقررات مربوط به این گونه موارد با نظم عمدی مرتبط بوده و امری محسوب می‌شود (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰، ۱۷۸). بنابراین تبری از ضمان بر طبق ماده ۱۰ ق.م. و ۲۹۰ ق.م. صحیح و منشأ اثر حقوقی می‌باشد (امامی، ۱۳۷۶، ۴۰).

۴-۵- سیره عقلاء

متعارف این است که عقلاً صحت قرارداد عدم مسؤولیت و تحدید آن را حداقل در امور مالی و قراردادهای تجاری پذیرفته اند و تردیدی در صحت آن ندارد (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰، ۱۷۸). زیرا بناء و سیره عقلاً و خردمندان مبنی بر محترم‌بودن مال و جسم است و بدون اذن مالک در مال یا جسم او تصرف نماید در نزد عقلاً مورد مذمت واقع می‌شود و شارع مقدس هم این سیره را ردع و منع نفرموده است

(مصطفوی، ۱۴۱۲، ۲۴) و با این تفسیر رضایت زیان دیده با فرض اینکه در کمال صحت و سلامت بوده و در موارد ممنوعه نیز نباشد مورد پذیرش عقلاء و سیره عقلی و عرف قرار می‌گیرد و به عقیده برخی از حقوقدانان عرف، گاه به صورت منبع مستقیم در می‌آید یعنی تکیه بر هیچ یک از منابع حقوق نمی‌کند و خود مستقلاً پدیدآور قواعد حقوقی می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ۳۹).

۵- ماهیت رضایت زیان دیده

رضایت زیان دیده گاهی پس از ورود ضرر یا خسارت حاصل می‌شود و گاهی قبل از ورود و این سؤال آتی باقیست که اولاً ماهیت حقوقی رضایت زیان دیده پس از ورود خسارت توسط صاحب حق و یا صاحب مال عقد است یا ایقاع و منطبق بر کدام نهادهای حقوقی و از سوی دیگر رضایت زیان دیده قبل از ورود ضرر تحت کدام عناوین و نهادها است و اینکه عقد است یا ایقاع.

۵-۱- ماهیت رضایت پس از ورود ضرر

رضایت زیان دیده پس از وقوع فعل زیانبار هم منطبق بر ایقاع است و هم عقد زیرا از یک سو می‌توان گفت ماهیت رضایت زیان دیده پس از وقوع فعل زیانبار منطبق بر ایقاع است زیرا رضایت زیان دیده مبتنی بر قصد انشا زیان دیده است و در ماده ۲۸۹ ق.م.آ.مه که ابراء عبارت از این است که دائن از حق خود به اختیار صرف نظر نماید، زیرا در فرض بالا، زیان دیده دائن (طلبکار) محسوب می‌شود و حتی بدون رضایت فاعل می‌تواند ذمه او را از بدهی و دین بری کند و حق دینی خود را اسقاط می‌کند بنابراین رضایت زیان دیده در این فرض ایقاع و منطبق بر نهاد حقوقی ابراء ذمه بوده و باعث اسقاط حق رجوع زیان دیده به عامل زیان می‌شود زیرا شرایط ابراء اسقاط ذمه ایجاد شده که اراده طلبکار و وجود دین و اسقاط حق دینی از شرایط اساسی آن محسوب می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ۲۵۲) و چون ابراء ذمه یک نوع ایقاع محسوب می‌شود مستلزم وجود قصد انشا و احراز آن به موجب ماده ۱۹۱ ق.م. و میرزات آن به موجب ماده ۱۹۴ ق.م. می‌باشد و اگر زیان دیده بخواهد دعوای به طرفیت عامل زیان به خواسته مطالبه خسارات طرح و پیگیری کند مشارالیه می‌تواند نسبت به این موضوع دفاعیات خویش را اعلام دانسته و با فرضاً اثبات مرجع ذی صلاح حکم بر بطلان و بی‌حقی خواهان (زیان دیده) صادر می‌کند. زیرا حق اصلی دعوی به موجب ابراء ساقط گردیده است.

نکته قابل ذکر این بوده که به موجب ماده ۲۹۰ ق.م ابراهیم موجب سقوط تعهد می‌شود که متعهدله ابراء بر اهلیت داشته باشد و در فرض موضوع ما زیان‌دیده متعهدله فرض می‌شود و در صورتی ابراء آن باعث اسقاط حق مراجعه به عامل زیان می‌شود که اهلیت اجرا یا استیفاء جهت این موضوع را داشته باشد اهلیت لازم برای ابراء تابع قواعد عمومی است و شرط ویژه‌ای ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ۲۵۲).

از سوی دیگر رضایت زیان‌دیده پس از وقوع ضرر می‌تواند عقد و منطبق بر نهاد حقوقی صلح باشد که منطبق بر مواد ۷۵۲ و ۷۵۶ ق.م می‌باشد که بین عامل ورود زیان و زیان‌دیده بسته می‌شود که با استناد بر ماده ۷۵۲ ق.م و ۷۵۴ در نفوذ آن تردیدی نیست (قاسم زاده، ۱۳۹۰، ۱۸۲). ماده ۷۵۲ ق.م مقرر می‌دارد: صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله یا غیر آن باشد و همچنین ماده ۷۵۴ ق.م مقرر دارد. هر صلح نافذ است جز صلح بر امری که غیرمشروع است و همچنین ماده ۷۵۶ ق.م اعلام داشته: حقوق خصوصی که از جرم تولید می‌شود ممکن است مورد صلح واقع شود. بنابراین رضایت زیان‌دیده گاهی که بین عامل و زیان‌دیده صلحی منعقد شود عقد محسوب شده و صلح نیز نوعی صلح واقعی محسوب می‌شود. به موجب ماده ۲۱۹ ق.م مقرر می‌دارد که عقود که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم‌الاتباع است که بیانگر اصل لزوم قراردادهای می‌باشد که طرفین ملزم به رعایت و پای‌بندی مفاد آن می‌باشند و در فقه آمده «المومنون عند شروطهم و همینطور در سوره مائده آیه یک آمده «ووفوا بالعقود» که دلالت بر لزوم اجرای تعهدات می‌باشد.

۵-۲- ماهیت رضایت قبل از ورود ضرر

اگر بین انجام‌دهنده فعل زیانبار و زیان‌دیده احتمالی، قراردادی در خصوص محدودیت مسؤلیت یا سلب مسؤلیت نسبت به آثار زیان و ضرر ایجاد شود آیا این رضایت پس از وقوع ضرر قابلیت استناد را خواهد داشت و در صورت قابلیت استناد، به صورت حکمی مطلق است یا نسبی یعنی استثناء‌پذیر است. بنظر می‌رسد که در صورتی که بین انجام‌دهنده فعل زیانبار و زیان‌دیده احتمالی قبل از وقوع ضرر یا خسارت قرار دادی منعقد شود با فرض عدم وجود عیوب رضا مثل اکراه - اشتباه - سوءاستفاده از اضطرار و جرم‌بودن موضوع رضایت و یا قوانین خاص (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۳۴۳-۳۴۴). منطبق بر ماده ۷۵۲ ق.م عقد صلح بوده زیرا همانطوری که زیان‌دیده پس از وقوع ضرر با انعقاد توافق (عقد صلح) و یا با اسقاط

حق (ابراء ذمه) حق مراجعه خویش را نسبت به دریافت خسارت را محدود یا اسقاط کند قبل از ورود ضرر نیز می‌تواند با فاعل فعل صلح کند زیرا صلح در ماده ۷۵۲ یا در مورد تنازع موجود (پس از ورود ضرر) منطبق بر عقد صلح است و آثار مراجعه حقوقی را ساقط می‌کند البته رضایت مذکور از حیث آثار مطلق نبوده بلکه به صورت نسبی بوده یعنی در خصوص خسارت بر اموال و اشخاص و هویت و حقوق مربوط به شخصیت همراه با محدودیت است و صلح منشاء اثر حقوقی نیست بنابراین:

اولاً: موادی که خسارت بر جسم و نفس وارد می‌گردد مثل قتل نفس یا نقص عضو یا سلب آزادی یا صدمه به آبرو و حیثیت این نوع قرارداد (عقد صلح) باطل است. زیرا صلح موجب ماده ۷۵۴ ق.م. صلح بر امر غیرمشروع است. ثانیاً: در فرضی که موضوع اموال است قبل از ورود ضرر و خسارت در صورت صلح بین عامل و مالک در صورتی که تقصیر عمدی یا در حکم آن نباشد نافذ است. بنابراین اگر تقصیر عمدی و یا در حکم عمد باعث ورود خسارت شود آن رضایت نیز نافذ نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۳۳۸ - ۳۳۹).

بنابراین رضایت زیان دیده قبل از وقوع ضرر که با انعقاد قرارداد با فاعل زیان بوده مؤثر است. زیرا همانطوری که گفتیم مبانی صحت آن در سابق مذکور شده در تکمیل آن نیز می‌توان گفت که: اولاً همانطوری که پس از وقوع ضرر و خسارت، زیان دیده می‌تواند از حق خویش بگذرد قبل از وقوع ضرر نیز با انعقاد قرارداد (عقد صلح- شرط عدم عدم مسؤلیت) می‌تواند از حق خویش بگذرد و باعث اسقاط حق زیان دیده می‌گردد البته دامنه این رضایت مشمول اضرار عمدی و در حکم عمدی و همین طور اضرار به نفس و حقوق مربوط به شخصیت نمی‌شود.

ثانیاً: رضایت زیان دیده قبل از ورود ضرر در قالب عقد صلح و بصورت شرط عدم مسؤلیت یا تحدید مسؤلیت است و با ابراء مالیم یجب که در صحت آن به جهت عدم ایجاد دین محل تردید است متفاوت است. زیرا مفاد شرط عدم مسؤلیت ناظر به آینده است و با در نظر گرفتن احتمالی بودن آن موضوع قرارداد یا شرط ضمن عقد واقع می‌شود (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰، ۱۷۷).

ثالثاً: موضوع تراضی در عقد صلح مذکور مبهم نیست زیرا موضوع تراضی قابل تعیین بوده و مبهم نیست و علم اجمالی نیز کفایت می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ۴۷۹). زیرا رضایت مد دور در قالب عقد صلح در مورد تنازع احتمالی بین عامل و زیان دیده احتمالی منعقد شده و در عقد صلح هم اجمالی کفایت و علم تفصیلی شرط نیست.

۶- آثار رضایت

با عنایت به اینکه زمان رضایت زیان‌دیده در تعیین ماهیت حقوقی اثر داشته، این تاثیرگذاری در آثار کاربردی و نحوه مواجهه محاکم حقوقی نیز اثر داشته و به همین خاطر آثار رضایت در محاکم را در فرض پس از ورود ضرر و یا قبل از ورود ضرر بحث و بررسی می‌شود. اقامه‌کننده دعوی بایستی به نحوی در طرح دعوی ذی‌نفع باشد و این نفع اعم است از نفعی که فعلیت دارد و یا نفعی که آتی است (واحدی، ۱۳۸۷، ۱۰۳) که در ماده ۲ و بند ۱۰ ماده ۸۴ ق.آ.د.م آمده است (کریمی، ۱۳۸۶، ۷۵). در فرضی که رضایت پس از ورود ضرر باشد در قالب ایقاع و از نهاد حقوقی ابراء ذمه به موجب ماده ۲۸۹ ق.م باشد از مصادیق زوال حق اصلی می‌باشد که در صورت طرح دعوی حقوقی توسط زیان‌دیده به عنوان ذینفع (خواهان پرونده) منتج به صدور حکم بر بطلان دعوی یا بی‌حقی خواهان توسط دادگاه عمومی می‌شود. زیرا در حقیقت زوال دعوا در فرض اخیر از مصادیق و پیامد زوال حق اصلی می‌باشد و آثار زوال حق اصلی بر دعوا مفهوم اخص مترتب می‌شود (شمس، ۱۳۸۷، ۲۷۸). ولی در فرضی که رضایت زیان‌دیده پس از ورود ضرر و یا اینکه قبل از ورود ضرر باشد در صورت توافق طرفین موضوع در قالب عقد و از نهاد حقوقی صلاح به موجب مواد ۷۵۲ و ۷۶۱ و ۷۶۶ ق.م می‌باشد و در صورت مطرح بودن دعوا، چنانچه سازش در دادگاه مورد اقرار طرفین قرار گیرد، دادگاه رسیدگی را ختم و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید و مفاد آن نسبت به طرفین و قائم مقام قانونی آنها نافذ و معتبر بوده و مانند احکام دادگاه‌ها به موقع اجرا گذاشته می‌شود (شمس، ۱۳۸۷، الف، ۲۶۷).

۷- نتیجه گیری

با بررسی رضایت زیان‌دیده و ارکان مسؤلیت مدنی چند نتیجه حاصل می‌شود که می‌توان آنها را ذکر کرد.

- رضایت زیان‌دیده، عنوان تقصیر را از بین نمی‌برد بلکه آثار ناشی از تقصیر که جبران خسارت است را به نفع عامل و به ضرر زیان‌دیده را ساقط و حق مراجعه زیان‌دیده را از بین می‌برد.
- در صحت و بطلان رضایت زیان‌دیده بین فقها و حقوقدانان محل بحث بوده که نتیجتاً قائل به صحت آن بوده‌اند و قواعدی چون قاعد، اقدام و استیمان و اذن و اصل حاکمیت اراده و سیره عقلاء را با استدلال در پذیرش رضایت زیان‌دیده اعلام شده است.

- رضایت زیان دیده پس از وقوع ضرر گاهی که فقط با اراده صرف زیان دیده بوده منطبق بر ابراء ذمه (ایقاع) و در صورتی که صلح و سازشی بین عامل و زیان دیده باشد عقد صلح می باشد و اگر رضایت زیان دیده قبل از وقوع ضرر باشد و ضمن پذیرش صحت آن را نیز عقد صلح می نامیم.
- محدوده تأثیری رضایت زیان دیده مطلق نبوده بلکه در صورت اضرار عمدی و در حکم عمدی و در صورتی که مربوط به جان و نفس و حقوق مربوط شخصیت مؤثر نیست.
- در آثار رضایت زیان دیده در محاکم حقوقی می توان گفت که رضایت اگر پس از ورود ضرر می باشد و در قالب ایقاع و از مصادیق ابراء ذمه باشد توسط محاکم با فرض طرح دعاوی منتج به صدور حکم بر بطلان دعوی می شود و اگر رضایت قبل از ورود ضرر و یا پس از ورود ضرر با توافق حاصله بین زیان دیده و فاعل زیان باشد با فرض طرح دعاوی، منتج به صدور گزارش اصلاحی می شود.

فهرست منابع

- ۱- امامی، سید حسن (۱۳۷۶). حقوق مدنی. جلد ۲. تهران: انتشارات اسلامی.
- ۲- امیری، قائم مقام (۱۳۹۲). حقوق تعهدات. تهران: انتشارات میزان.
- ۳- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۳۴). مکاسب. جلد ۶. قم: انتشارات مجمع الفکر الاسلامی.
- ۴- باریکلو، علی رضا (۱۳۹۲). مسؤولیت مدنی. تهران: انتشارات میزان.
- ۵- بحر العلوم، عزالدین (۱۹۷۳). بحوث فقهیه. بیروت: دارالزهراء.
- ۶- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۲). مکتب های حقوقی در حقوق اسلام. تهران: انتشارات گنج دانش .
- ۷- خمینی، روح الله (۱۳۷۹). کتاب البیع. جلد ۱. تهران: مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی.
- ۸- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسن بن محمد مفضل (بی تا). المفردات الفاظ قرآن کریم. تهران: مکتبه المرتضویه.
- ۹- رحیمی واسکسی، حسین؛ کاویانی فر، حمید؛ طباطبایی لطفی، عصمت السادات؛ کریمی، نسرین. (۱۳۹۹). تطور اصل برائت از دیدگاه اصولیون. مجله پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ۱۷ (۶۲) ۱۱۹-۱۳۴.
- ۱۰- شمس، عبدالله (۱۳۸۷). آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته). جلد ۱. تهران: انتشارات دراک.
- ۱۱- شمس، عبدالله (۱۳۸۷). آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته). جلد ۲. تهران: انتشارات دراک.
- ۱۲- صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب الله (۱۳۹۲). مسؤولیت مدنی. تهران: انتشارات سمت.
- ۱۳- غروی اصفهانی (کمپانی) محمد حسین (۱۴۰۸). حاشیه مکاسب. قم: دارالذخائر.
- ۱۴- غمامی، مجید (۱۳۸۸). قابلیت پیش بینی ضرر در مسؤولیت مدنی. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار .

- ۱۵- قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۹۰). مسؤولیت مدنی. تهران: انتشارات بنیاد حقوق میزان.
- ۱۶- قرشی، علی اکبر (۱۳۶۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). مسؤولیت مدنی. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۸- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). قواعد عمومی قراردادها. جلد ۱. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). قانون مدنی در نظم حقوق کنونی. تهران: انتشارات دادگستر.
- ۲۰- کریمی، عباس (۱۳۸۶). آیین دادرسی مدنی. تهران: انتشارات مجد.
- ۲۱- لطفی، ابوالقاسم (بی تا). مصباح الفقاهه. قم: انتشارات وجدانی.
- ۲۲- لطفی، اسدالله (۱۳۹۲). موجبات و مسقطات ضمان قهری در فقه و حقوق مدنی ایران. تهران: انتشارات مجد.
- ۲۳- معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی. دوره یک جلدی. تهران: انتشارات میلاد نور.
- ۲۴- میرفتاح مراغه ای، عبدالفتاح بن علی (۱۴۱۸). العناوین. ج ۲. قم: الموسسه النشر الاسلامی.
- ۲۵- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۹۲). قواعد فقهیه. جلد ۱. تهران: انتشارات مجد.
- ۲۶- مصطفوی، سیدمحمد کاظم (۱۴۱۲). قواعد فقه. قم: موسسه نشر اسلامی.
- ۲۷- محمدی، ابوالحسن (۱۳۹۳). قواعد فقه. تهران: انتشارات میزان.
- ۲۸- نجفی، شیخ محمد حسن (۱۳۹۴). جواهر الکلام. جلد ۲۷. قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۹- واحدی، قدرت الله (۱۳۸۷). بایسته های آیین دادرسی مدنی. تهران: انتشارات میزان.